

درس دهم : بانگ جَرس	۱
واژگان	۱
دستور	۳
آرایه‌های ادبی	۵
قرابت معنایی	۸
معنا و مفهوم ابیات و عبارات	۸
تاریخ ادبیات	۱۰
درس یازدهم : یارانِ عاشق	۱۱
واژگان	۱۱
دستور	۱۲
آرایه‌های ادبی	۱۴
قرابت معنایی	۱۶
معنا و مفهوم ابیات و عبارات	۱۶
تاریخ ادبیات	۱۸
شعرخوانی: صبح بی تو	۱۸

این پک به صورت کامل برای تمام دروس تجربی با یک قیمت حداقلی که تمام افراد توانایی پرداخت آن را دارند منتشر شده بنابراین استفاده رایگان از آن مورد رضایت ما نخواهد بود جهت تهیه روی همین متن قرمز لمس یا کلیک کنید

فصل پنجم : ادبیات انقلاب اسلامی

درس دهم : بانگ جَرَس واژگان

۱ در متن زیر معنای واژه مشخص شده را بنویسید.

«ما در سایه خورشیدی‌ترین مرد قرن به بار عام رحمت الهی راه یافتیم و صبح روشن آزادی را به تماشا نشستیم.»

۲ واژه مشخص شده را معنا کنید.

«خورشید در جشنی بی‌غروب بر بام جهان ایستاده بود و تولد جمهوری گل محمدی را کل می‌کشید.»

۳ در مصراع‌های زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش

ب) دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش

۴ در مصراع‌های زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش

ب) جز تو که فرات رشحه‌ای از یم توس

۵ معنی لغات و ترکیب‌های مشخص شده را بنویسید .

الف

از هر کران بانگ رحیل آید به گوشم بانگ از جرس برخاست وای من خموشم

۶ با توجه به ابیات و عبارات زیر، معنی و مفهوم واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) فرض است فرمان برن از حکم جلودار

۷ معنی لغات و ترکیبات مشخص شده را بنویسید.

الف) فرض است فرمان بردن از حکم جلودار.

۸ معنی لغات و ترکیبات مشخص شده را بنویسید.

الف) پا در رکاب راهوار خویش دارند

۹ معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف

فرض است فرمان بردن از حکم جلودار گر تیغ بارد، گو ببارد، نیست دشوار

۱۰ معنی واژگان مشخص شده را در ابیات و عبارات زیر بنویسید.

الف) پا در رکاب راهوار خویش دارند.

۱۱ معنی واژگان مشخص شده را با توجه به ابیات و عبارات زیر بنویسید.

الف) از هر کران بانگ رحیل آید به گوشم

۱۲ معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف) فرض است فرمان بردن از حکم جلودار

۱۳) معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید:

- الف) دل بر عبور از سدّ خار و خارِه بندیم.
ب) از هر کران بانگ رحیل آید به گوشم.
پ) بانگ از جرس برخاست وای من خموشم
ت) پا در رکاب راهوار خویش دارند
ث) هامون اگر دریا شود از خون بتازید.
ج) زان جا به جولان تا خط لبنان برانیم

۱۴) معنای واژگان مشخص شده را بنویسید.

- الف) باید به مژگان رُفت گرد از طور سینین
ب) رنگین کمان، کلاف ابرهای تیره را از هم باز می‌کرد.
پ) بیست و دوم بهمن در محوطة آفتابی انقلاب، ابدی شد.
ت) یاد ایثارگران سهیم در این حماسه سترگ را به تابناکی پاس خواهیم داشت.

۱۵) معنی واژگان مشخص شده زیر را بنویسید.

- الف) وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم
ب)

دریادلان راه سفر در پیش دارند

پ

گاه سفر آمد برادر، ره دراز است

ت

گاه سفر شد باره بر دامن برانیم

ث

وادی پر از فرعونیان و قبطیان است

ج

فرمان رسید این خانه از دشمن بگیرید

چ

یعنی کلیم آهنگ جان سامری کرد

ح

حکم جلودار است بر هامون بتازید

خ

جانان من برخیز بر جولان برانیم

د

جانان من برخیز و بشنو بانگ چاووش

ذ

تکبیرزن، لَیک گو بنشین به رهوار

۱۶) با توجه به معانی داده شده یک واژه معادل آن از متن درس بیابید.

- الف) آن که پیشاپیش زائران حرکت می‌کند و با صدای بلند و به آواز اشعار مذهبی می‌خواند:
ب) آنچه با شتاب اما نرم و روان حرکت می‌کند:

پ حلقه‌ای فلزی که در دو طرف زین اسب آویخته می‌شود و سوار پا در آن می‌گذارد:

ت نخ و ریسمان و جز آنکه گرد کرده باشند:

ث هر یک از دو یا چند نفری که با هم کاری انجام می‌دهند:

ج کیسه‌ای از پوست گوسفند:

۱۷ در مصراع زیر «جولان» چه معنایی دارد؟

زان جا به جولان تا خط لبنان برانیم

۱۸ معادل معنایی واژه‌های زیر را از متن درس «بانگ جَرَس» بیابید.

زنگ (.....) کوچ (.....) واجب گردانیدن (.....)

۱۹ در گروه کلمات زیر چهار غلط املائی وجود دارد، درست آنها را بنویسید.

«ایثارگران و جان بر کفان - تقدیر و تشکر - هلول صبح روشن - حماسه سترگ - بار عام رحمت الهی - ابدی و ازلی - رشه و قطره - خار و خاره - برخواستن بانگ - فرعونیان و غبطیان - اهریمن و ابلیس»

۲۰ در گروه کلمات زیر غلط‌های املائی را بیابید و شکل صحیح آنها را بنویسید.

«هیئت و قالب - سترگ و بزرگ - بار عام - محدث و گوینده - رشه و یم - عرش و تخت - تعلیل و علت آوردن - محوطه و صحن - داغ و عزا - اقناء مخاطب»

۲۱ در بیت زیر معنای واژه مشخص شده را بنویسید.

«یا احد یاد بزرگی‌ها که کردیم آن پهلوانی‌ها سترگی‌ها که کردیم»

۲۲ املائی درست واژه‌ها را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف وادی پر از فرعونیان و (قبتیان / قبطیان) است.

ب یعنی کلیم آهنگ جان (سامری / صامری) کرد.

پ از هر کران بانگ (رحیل / رهیل) آید به گوشم.

ت باید به مژگان رفت گرد از (تور / طور) سینین.

۲۳ در گروه کلمات زیر چند نادرستی املائی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید.

«داغ ماتم - رشحه‌ای از یم - فرض و واجب - پرچم و آلم - دیار قدس - موسی و سامری - تور سینین - خار و خاره - بانگ جِرس - بار عام - هلول صبح - حماسه سترگ»

دستور

۲۴ در رباعی زیر نقش دستوری واژه‌های قافیه را مشخص کنید.

«ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش وز تشنگیات فرات در جوش و خروش
جز تو که فرات رشحه‌ای از یم توست دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش»

۲۵ با توجه به رباعی زیر بیت اول چند جمله دارد؟

«ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش وز تشنگیات فرات در جوش و خروش
جز تو که فرات رشحه‌ای از یم توست دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش»

۲۶ در بیت زیر مرجع ضمیر «تو» چه کسی است؟

«جز تو که فرات رشحه‌ای از یم توست دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش»

۲۷ با توجه به بیت زیر به پرسش‌ها پاسخ مناسب دهید:

«فرمان رسید این خانه از دشمن بگیرد تخت و نگین از دست اهریمن بگیرد»

الف مفعول‌ها را بیابید.

ب یک ترکیب وصفی و یک ترکیب اضافی در بیت پیدا کنید.

پ نهاد را در جمله اول و آخر مشخص کنید.

۲۸ نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم

ب) تنگ است ما را خانه تنگ است ای برادر

پ) ای یاوران باید ولی را یآوری کرد

ت) دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش

۲۹ در هر یک از موارد زیر «مسند» را مشخص کنید.

الف) ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش

ب) فرض است فرمان بردن از حکم جلودار

۳۰ تعداد جمله‌های هر بیت را بنویسید.

الف)

از هر کران بانگ رحیل آید به گوشم بانگ از جرس برخاست وای من خموشم

ب)

گاه سفر آمد برادر، ره دراز است پروا مکن، بشتاب، همت چاره‌ساز است

پ)

یعنی کلیم آهنگ جان سامری کرد ای یاوران باید ولی را یآوری کرد

ت)

جانان من برخیز بر جولان برانیم زان جا به جولان تا خط لبنان برانیم

ث)

جانان من برخیز و بشنو بانگ چاووش آنک امام ما عَلم بگرفته بر دوش

۳۱ نقش هر یک از کلمات مشخص شده را بنویسید.

الف)

از هر کران بانگ رحیل آید به گوشم بانگ از جرس برخاست وای من خموشم

ب)

گاه سفر آمد برادر، ره دراز است پروا مکن، بشتاب، همت چاره‌ساز است

پ)

وادی پر از فرعونیان و قبطیان است موسی جلودار است و نیل اندر میان است

ت)

فرمان رسید این خانه از دشمن بگیرد تخت و نگین از دست اهریمن بگیرد

ث)

فرض است فرمان بردن از حکم جلودار گر تیغ بارد، گو بیارد، نیست دشوار

ج)

جانان من برخیز بر جولان برانیم زان جا به جولان تا خط لبنان برانیم

چ)

ای کعبه به داغ ماتمت، نیلی پوش وز تشنگیات، فرات در جوش و خروش

۳۲ کدام یک از بیت‌های زیر به شیوه بلاغی و کدام یک به شیوه عادی سروده شده است؟

الف)

گاه سفر شد باره بر دامن برانیم تا بوسه گاه وادی ایمن برانیم

ب

یعنی کلیم آهنگ جان سامری کرد

ای یاوران باید ولی را یآوری کرد

پ

حکم جلودار است بر هامون بتازید

هامون اگر دریا شود از خون، بتازید

ت

جانان من برخیز و آهنگ سفر کن

گر تیغ بارد، گو بیارد، جان سپر کن

ث

باید به مژگان رُفت گرد از طُور سینین

باید به سینه رُفت زین جا تا فلسطین

۳۳

در هر مصراع گروه‌های اسمی، هسته و نوع وابسته‌ها را بنویسید.

الف

ای کعبه به داغ ماتمت، نیلی‌پوش

ب

دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش

پ

وز تشنگیات، فرات در جوش و خروش

ت

جز تو که فرات، رشحه‌ای از یم توست

۳۴

در هر یک از بیت‌های زیر نوع صفت‌های بیانی را در گروه‌های مشخص شده بنویسید.

الف

آن‌جا که هر سو صد شهید خفته دارد

آن‌جا که هر کوبش غمی بنهفته دارد

ب

تویی بهانه آن ابرها که می‌گیرند

بیا که صاف شود این هوای بارانی

پ

بروید ای حریفان، بکشید یار ما را

به من آورید آخر صنم گریزپا را

ت

به ترانه‌های شیرین، به بهانه‌های زرین

بکشید سوی خانه مه خوب خوش‌لقا را

۳۵

نقش واژه‌های مشخص شده را تعیین کنید.

گاه سفر آمد برادر، ره دراز است

پروا مکن، بشتاب، همت چاره‌ساز است

۳۶

ابیات زیر از چند جمله ساخته شده‌اند؟

الف. فرض است فرمان بردن از حکم جلودار

گر تیغ بارد، گو بیارد، نیست دشوار

ب. تکبیر زن، لَبیک گو بنشین به رهوار

مقصد دیار قدس هم‌پای جلودار

آرایه‌های ادبی

۳۷

کنایه‌ها را در عبارت زیر بیابید و معنای هر یک را بنویسید:

الف

دریا دلان راه سفر در پیش دارند

پا در رکاب راهوار خویش دارند

ب

آنک امام ما علم بگرفته بر دوش

۳۸ در موارد زیر فقط «تشبیه»های به‌کاررفته را مشخص کنید و طرفین آن را بنویسید.

الف

رنگین‌کمانی از شوق و شور، کلاف ابرهای تیره را از هم باز می‌کرد.

ب

صبح روشن آزادی را به تماشا نشستیم.

پ

جز تو که فرات، رشحه‌ای از یم توست

دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش

۳۹

در هر بیت کنایه‌ها و مفهوم آنها را بنویسید.

الف

وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم

دل بر عبور از سدّ خار و خاره بندیم

ب

از هر کران بانگ رحیل آید به گوشم

بانگ از جرس برخاست وای من خموشم

پ

جانان من اندوه لبنان گشت ما را

بشکست داغ دیر یاسین پشت ما را

ت

باید به مژگان رُفت گرد از طُور سینین

باید به سینه رفت زین جا تا فلسطین

۴۰ در بیت‌های زیر استعاره‌ها را مشخص کنید و مفهوم هر یک را بنویسید.

الف

وادی پر از فرعونیان و قبطیان است

موسی جلودار است و نیل اندر میان است

ب

تنگ است ما را خانه تنگ است ای برادر

بر جای ما بیگانه ننگ است ای برادر

پ

فرمان رسید این خانه از دشمن بگیرید

تخت و نگین از دست اهریمن بگیرید

۴۱ با توجه به بیت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«جانان من اندوه لبنان گشت ما را

بشکست داغ دیر یاسین پشت ما را»

الف

مجاز را بیابید و مفهوم آن را بنویسید.

ب

«پشت کسی را شکستن» کنایه از چیست؟

پ

مصراع دوم به چه واقعهای اشاره دارد؟

۴۲ با توجه به بیت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

فرمان رسید این خانه از دشمن بگیرید

تخت و نگین از دست اهریمن بگیرید

الف

تلمیح موجود در بیت را توضیح دهید؟

ب

در مصرع دوم چند واژه معنی مجازی دارند؟

۴۳

مفهوم کنایه‌های زیر را بنویسید.

الف: برگ سفر بر باره بستن

ب: عَلم بر دوش گرفتن

۴۴ شاعر در بیت زیر چندبار از آرایه «حسن تعلیل» بهره گرفته است؟ توضیح دهید.

«ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش

وز تشنگیات فرات در جوش و خروش»

۴۵ در بیت‌های زیر انواع جناس را مشخص کنید:

الف

وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم

دل بر عبور از سدّ خار و خاره بندیم

ب

جانان من برخیز بر جولان برانیم

زان جا به جولان تا خط لبنان برانیم

پ

باید به مژگان رُفت گرد از طور سینین

باید به سینه رفت زین جا تا فلسطین

۴۶ در بیت‌های زیر انواع جناس را بیابید.

الف

تنگ است ما را خانه تنگ است ای برادر

بر جای ما بیگانه ننگ است ای برادر

ب

جانان من اندوه لبنان گشت ما را بشکست داغ دیر یاسین پشت ما را

۴۷ در کدام یک از بیت‌های زیر «حسن تعلیل» به کار رفته است؟

الف

ای کعبه به داغ ماتمت، نیلی پوش وز تشنگیات، فرات در جوش و خروش

ب

از چنبر نفس رسته بودند آنها بت‌ها همه را شکسته بودند آنها

پ

بید مجنون در تمام عمر، سر بالا نکرد حاصل بی‌حاصلی نبود به جز شرمندگی

۴۸ در کدام بیت «حسن تعلیل» دیده می‌شود؟ توضیح دهید.

۱) ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش وز تشنگیات، فرات در جوش و خروش

۲) گاه سفر آمد برادر ره دراز است پروا مکن، بشتاب، همت چاره‌ساز است

۳) یعنی حکیم آهنگ جان سامری کرد ای یاوران باید ولی را یآوری کرد

۴) آن جا که هر سو صد شهید خفته دارد آن جا که هر کوبش غمی بنهفته دارد

۴۹ از متن درس «بانگ جرس» برای هریک از آرایه‌های ادبی زیر، نمونه‌ای بیابید و بنویسید.

جناس همسان (تام):

جناس ناهمسان (ناقص):

۵۰ اغراق به کار رفته در بیت زیر را توضیح دهید:

«فرض است فرمان بردن از حکم جلودار گر تیغ بارد گو ببارد نیست دشوار»

۵۱ با توجه به جدول زیر، بیت مربوط به هر آرایه را مقابل آن بنویسید. (یک بیت اضافی است.)

الف) مجاز	۱- ای حقیقی‌ترین مجاز من، ای عشق / ای همه استعاره‌ها با تو
ب) متناقض‌نما	۲- جانان من اندوه لبنان گشت ما را / بشکست داغ دیر یاسین پشت ما را
ج) تلمیح	۳- به پاس هر وجب خاکی از این ملک / چه بسیار است آن سرها که رفته
	۴- چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر / چه باشی چو روبه به وامانده سیر

۵۲ در عبارات زیر، آرایه‌های «متناقض‌نما، تناسب و تشبیه» را بیابید.

«ما در سایه خورشیدی‌ترین مرد قرن به بار عام رحمت الهی راه یافتیم و صبح روشن آزادی را به تماشا نشستیم.»

۵۳ در بیت «ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش / وز تشنگیات فرات در جوش و خروش» آرایه‌های «نغمه حروف و تشخیص» را بیابید.

۵۴ در ابیات زیر هر یک از قسمت‌های مشخص‌شده، چه آرایه‌ای دارند؟

الف) گر تیغ بارد گو ببارد نیست دشوار

ب) جانان من اندوه لبنان گشت ما را

پ) خورشید تولد جمهوری گل محمدی را کل می‌کشید.

۵۵ تلمیحات را در ابیات زیر مشخص کنید و داستان هر یک را بیان نمایید:

الف. فرمان رسید این خانه از دشمن بگیرد تخت و نگین از دست اهریمن بگیرد

ب. یعنی کلیم آهنگ جان سامری کرد ای یاوران باید ولی را یآوری کرد

قرابت معنایی

۵۶ مفهوم مشترک عبارت‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم دل بر عبور از سدّ خار و خاره بندیم
ب) وادی پر از فرعونیان و قبطیان است موسی جلودارست و نیل اندر میان است

۵۷ مفهوم کنایی دو بیت زیر به کدام گزینه نزدیک‌تر است؟

ای کعبه به داغ ماتمت، نیلی پوش وز تشنگیات، فرات در جوش و خروش

جز تو که فرات، رشحه‌ای از یم توست دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش

الف) نیلی‌پوشی کعبه ب) مشک به دوش کشیدن دریا ج) سوگواری عمیق برای تشنگی خودخواسته

۵۸ آیا قالب و وزن و آهنگ شعر «بانگ جرس» با محتوای آن همخوانی دارد؟ چرا؟

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۵۹ ابیات و عبارات زیر را به نثر روان برگردانید.

الف

جانان من برخیز بر جولان برانیم زان جا به جولان تا خط لبنان برانیم

۶۰ معنی روان عبارت را بنویسید.

الف

امام ما عَلم بگرفته بر دوش

۶۱ تفاوت معنایی واژه «جولان» را در دو مصراع بیت زیر توضیح دهید.

«جانان من برخیز بر جولان برانیم / زان جا به جولان تا خط لبنان برانیم»

۶۲ با توجه به عبارات زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«خورشید در جشنی بی‌غروب بر بام جهان ایستاده بود و تولّد جمهوری گل محمدی را کل می‌کشید.»

الف) منظور از «گل محمدی» چیست؟

ب) یک اضافه استعاری بیابید.

۶۳ شعر زیر را معنا کنید.

«ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش وز تشنگیات فرات در جوش و خروش»

۶۴ بیت زیر را به نثر روان بنویسید.

«جز تو که فرات رشحه‌ای از یم توست دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش»

۶۵ مفهوم کلی رباعی زیر به کدام ویژگی حضرت عباس (ع) در واقعه عاشورا می‌پردازد؟

«ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش وز تشنگیات فرات در جوش و خروش»

جز تو که فرات رشحه‌ای از یم توست دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش»

۶۶ عبارت زیر را به نثر روان، بازگردانی کنید.

الف

پا در رکاب راهوار خویش دارند.

۶۷ معنی و مفهوم بیت‌های زیر را به نثر روان بنویسید:

الف

گاه سفر شد باره بر دامن برانیم تا بوسه‌گاه وادی آیم برانیم

ب

حکم جلودار است بر هامون بتازید هامون اگر دریا شود از خون بتازید

پ

جانان من برخیز و آهنگ سفر کن گر تیغ بارد گو بیارد جان سپر کن

ت

جانان من برخیز و بشنو بانگ چاووش آنک امام ما علم بگرفته بر دوش

۶۸ مقصود عبارات مشخص شده را در هر مورد بنویسید:

الف

وادی پر از فرعونیان و قبطیان است موسی جلودار است و نیل اندر میان است

ب

یعنی کلیم آهنگ جان سامری کرد ای یاوران باید ولی را یآوری کرد

پ

جانان من اندوه لبنان کشت ما را بشکست داغ دیر یاسین پشت ما را

ت

دریادلان راه سفر در پیش دارند پا در رکاب راهوار خویش دارند

۶۹ عبارات و اشعار زیر را به نثر روان معنی کنید.

الف

تا مثل این شکوفه، موی ما کافوری شود، دوستی را نگاه داریم.

۷۰ عبارات زیر را به نثر روان معنی کنید.

الف

آسمان با هفت دست گرم و پنهانی دف می‌زد.

ب

خورشید، تولد جمهوری گل محمدی را، کل می‌کشید.

پ

ما در سایه خورشیدی‌ترین مرد قرن به بار عام رحمت الهی راه یافتیم.

۷۱ مفهوم هر یک از قسمت‌های مشخص شده را بنویسید.

الف

جانان من برخیز و آهنگ سفر کن

ب

فرمان رسید این خانه از دشمن بگیرد

پ

بیست و دوم بهمن در محوطة آفتابی انقلاب، ابدی شد.

۷۲ معنی و مفهوم بیت‌های زیر را ساده و روان بنویسید.

الف

جانان من اندوه لبنان کُشت ما را بشکست داغ دیر یاسین پشت ما را

ب

وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم دل بر عبور از سدّ خار و خاره بندیم

پ

از هر کران بانگ رحیل آید به گوشم بانگ از جرس برخاست وای من خموشم

ت

دریادلان راه سفر در پیش دارند پا در رکاب راهوار خویش دارند

ث

وادی پر از فرعونیان و قبطیان است موسی جلودار است و نیل اندر میان است

ج

فرمان رسید این خانه از دشمن بگیرد تخت و نگین از دست اهریمن بگیرد

چ

یعنی کلیم آهنگ جان سامری کرد ای یاوران باید ولی را یآوری کرد

۷۳ در هر یک از بیت‌های زیر منظور از موارد مشخص شده چیست؟

الف

وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم دل بر عبور از سدّ خار و خاره بندیم

ب

گاه سفر شد باره بر دامن برانیم تا بوسه گاه وادی ایمن برانیم

پ

فرمان رسید این خانه از دشمن بگیرد تخت و نگین از دست اهریمن بگیرد

ت

یعنی کلیم آهنگ جان سامری کرد ای یاوران باید ولی را یآوری کرد

۷۴ معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

الف

یعنی کلیم آهنگ جان سامری کرد ای یاوران باید ولی را یآوری کرد

۷۵ مفهوم قسمت مشخص شده در عبارت زیر را بنویسید؟

الف

«یعنی کلیم آهنگ جان سامری کرد»

۷۶ اشعار و عبارات زیر را به نثر ساده و روان برگردانید.

الف

فرض است فرمان بردن از حکم جلودار

۷۷ معنی عبارات و ابیات زیر را به نثر روان بنویسید.

الف

از آنها که خونین سفر کرده‌اند سفر بر مدار خطر کرده‌اند

ب

یعنی کلیم آهنگ جان سامری کرد.

۷۸ مفهوم کلی عبارت زیر را بنویسید.

«آسمان با هفت دست گرم و پنهانی دف می‌زد و رنگین‌کمانی از شوق و شور، کلاف ابرهای تیره را از هم باز می‌کرد. خورشید در جشنی بی‌غروب، بر بام روشن جهان ایستاده بود و تولّد جمهوری گل محمدی را کل می‌کشید.»

۷۹ در مصراع «تخت و نگین از دست اهریمن بگیرد» منظور از «اهریمن» چیست؟

۸۰ در مصراع «تخت و نگین از دست اهریمن بگیریم» منظور شاعر از تخت و نگین و اهریمن چیست؟

۸۱ مقصود از مصراع «پا در رکاب راهوار خویش دارند» چیست؟

۸۲ آیا می‌توان شعر بانگ جرس را نوعی حماسه دانست؟ چرا؟

۸۳ معنی و مفهوم بیت پنجم درس «بانگ جرس» را به نثر روان بنویسید.

۸۴ در بیت زیر، منظور شاعر از فرعونیان و قبطیان و موسی (ع) چیست؟

وادی پر از فرعونیان و قبطیان است موسی جلودار است و نیل اندر میان است

۸۵ منظور از قسمت‌های مشخص شده چیست؟

«ای کعبه به داغ ماتمت نیلی‌پوش وز تشنگیات فرات در جوش و خروش

جز تو که فرات رشحه‌ای از یم توست دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش»

تاریخ ادبیات

۸۶ رباعی زیر سروده کدام شاعر معاصر است؟

«ای کعبه به داغ ماتمت نیلی‌پوش وز تشنگیات فرات در جوش و خروش

جز تو که فرات رشحه‌ای از یم توست دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش»

۸۷ کدام یک از شاعران زیر را با نام شعری «پروانه» می‌شناسیم؟

الف) محمدعلی مجاهدی ب) مصطفی علی‌پور

درس یازدهم : یارانِ عاشق واژگان

۸۸ معادل معنایی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

منکر آینه باشد چشم کور
دشمن آینه باشد روی زرد «عمادی شهریاری»
ای داور زمانه، ملوک زمانه را
جز بر ارادت تو مسیر و مدار نیست «مسعود سعد سلمان»

۸۹ معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) بزن زخم، این مرهم عاشق است
ب) مگو سوخت جانم از فرط عشق
که بی زخم مردن، غم عاشق است
خمودی است هان، اولین شرط عشق

۹۰ معنای واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف

هلا مُنکر جان و جانان ما
بزن زخم انکار بر جان ما

ب

بیا با گل لاله بیعت کنیم
که آلاله‌ها را حمایت کنیم

پ

صبح بی تو رنگ بعد از ظهر یک آدینه دارد
بی تو حتی مهربانی، حالتی از کینه دارد

۹۱ معنی واژگان مشخص شده زیر را بنویسید.

الف

از آنها که خونین سفر کرده‌اند
سفر بر مدار خطر کرده‌اند

ب

بی تو می‌گویند تعطیل است کار عشقبازی
عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد

پ

هلا مُنکر جان و جانان ما
بزن زخم انکار بر جان ما

ت

بیا با گل لاله بیعت کنیم
که آلاله‌ها را حمایت کنیم

ث

خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد
عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد

ج

چه جانانه چرخ جنون می‌زنند
دف عشق با دست خون می‌زنند

چ

از چنبر نفس رسته بودند آنها
بت‌ها همه را شکسته بودند آنها

ح

ساقیا بده جامی زان شراب روحانی
تا دمی بیاسایم زین حجاب ظلمانی

۹۲ با توجه به معانی داده شده، یک واژه مناسب از متن درس بیاورید.

الف) منسوب به سیم، اشیای ساخته شده از سیم یا نقره:

ب) رها شدن، نجات یافتن:

پ) هر دارویی که روی زخم گذارند:

۹۳ واژه "هلا" در بیت «هلا منکر جان و جانان ما / بزن زخم انکار بر جان ما» به چه معنایی است؟

۹۴ در کدام یک از گزینه‌های زیر غلط املایی دیده نمی‌شود؟

الف) از آنها که خورشید فریادشان دمید از گلوی سحرزاده شان

ب) بزن زخم، این مرحم عاشق است که بی زخم مردن غم عاشق است

ج) حلا منکر جان و جانان ما بزن زخم انکار بر جان ما

د) چه جانانه چرخ جنون می‌زنند دف عشق با دست خون می‌زنند

۹۵ با توجه به املا، واژه مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف

..... بر ویرانه می‌خواند به انکار تو اما خاک این ویرانه‌ها بویی از آن گنجینه دارد (جغد - جغد)

ب

به رقصی که بی پا و سر می‌کنند چنین عشق سر می‌کند (نقمة - نغمة)

۹۶ نوشتار کدام واژه داخل کمانک، کامل‌کننده مفهوم عبارت است؟

الف

بزن زخم، این (مرهم / مرحم) عاشق است که بی زخم مردن، غم عاشق است

۹۷ در میان کلمات زیر چند نادرستی املایی دیده می‌شود؟ توضیح دهید.

«رعایت عاشقی - مدار خطر - هلا منکر جان ما - مرهم زخم - فرت عشق - بیعت و پیمان»

دستور

۹۸ با توجه به بیت زیر «دیرینه» چه نوع صفت بیانی است؟

خواستم از رنجش دوری بگویم یادم آمد عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد

۹۹ در بیت زیر نوع وابسته‌های پیشین و پسین را بنویسید.

در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد

۱۰۰ جدول زیر را کامل کنید.

فعل	بن مضارع	صفت فاعلی	صفت مفعولی	صفت لیاقت
دارد می‌لغزد				
بچکد				
بگسلد				
می‌انبارد				

۱۰۱ در متن زیر صفت‌های بیانی را بیابید و نوع آنها را مشخص کنید.

«بیشتر این داستان‌ها پس از انطباق بر احوال تاریخی و باورها و معتقدات قومی، به‌طور کلی به هنگام سفر به آینده تجربه‌های آموختنی روزگاران را در خود جذب می‌کنند.»

۱۰۲ در متن زیر صفت‌های نسبی را پیدا کنید و نوع آنها را مشخص کنید.

«وقتی فرهنگی از مسیر پرتلاطم تاریخ زیر و زبر می‌آید، هم بنا به اوضاع و احوال محیط و هم، بسته به موقعیت‌های فکری، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، مواد و مصالحی از مسیر خویش برمی‌گیرد و پس از جذب آن اندوخته به صورت‌های گوناگون در کلیت ساختمان خویش به کار می‌گیرد.»

۱۰۳ در مصراع اول بیت زیر «قید» را مشخص کنید.

«از آنها که خونین سفر کرده‌اند سفر بر مدار خطر کرده‌اند»

۱۰۴ در مصراع «صبح بی تو رنگ بعدازظهر یک آدینه دارد، وابسته‌های پیشین و پسین و نوع هریک را مشخص کنید.

۱۰۵ در بیت زیر نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید آنکه در دستش کلید شهر پر آینه دارد

۱۰۶ جدول زیر را کامل کنید.

فعل	بن مضارع	صفت مفعولی	صفت لیاقت	صفت فاعلی
می‌شنود				
دارم می‌طلبم				
می‌فروشم				
پندارم				
مانده بودم				

۱۰۷ جدول زیر را کامل کنید.

فعل	بن مضارع	صفت لیاقت	صفت مفعولی	صفت فاعلی
شناخت				
دارد می‌آید				
داشت می‌گفت				
خواهی رفت				

۱۰۸ در ترکیب‌های زیر نوع هر یک از صفت‌های بیانی را مشخص کنید.

الف هوای روشن

ب چهره خندان

پ گل شکفته

ت کتاب آسمانی

ث رفتار کودکانه

ج مطلب خواندنی

۱۰۹ در هر یک از بیت‌ها و جمله‌های زیر صفت‌های بیانی و نوع آنها را بنویسید.

الف

چو بشنید گشتاسب شد پر ز درد ز مژگان بیارید خونا ب زرد

ب

مکن باور سخن‌های شنیده شنیده کی بود مانند دیده

پ

بیاید یکی مرد گویا ز چین که چون او مصور نبیند زمین

ت

و هر که از فیض آسمانی و عقل ذاتی بهره‌مند شد، نیک‌بخت گردد.

ث

جام ز عشق لبش خنده‌زنان شد چو گل وز لب خندان او بلبله بگریست زار

ج

طلوع برکه خورشید تابناک دل است ستاره‌ای که از آفاق دیده می‌آید

چ

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

ح

عتیقه‌های دیدنی در شهر شما زیبایی‌ها را دو چندان نموده است.

۱۱۰ نقش‌های تبعی را در بیت‌های زیر مشخص کنید.

الف

هلا منکر جان و جانان ما

بزن زخم انکار بر جان ما

ب

جهاندار با گوی و چوگان و تیر

به میدان خرامید خود با وزیر

آرایه‌های بیت‌های زیر را بنویسید. (۱۱۱)

الف

صبح بی‌تو رنگ بعدازظهر یک آدینه دارد

بی‌تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد

ب

مگو سوخت جان من از فرط عشق

خموشی است هان، اولین شرط عشق

جدول زیر را کامل کنید. (۱۱۲)

فعل	بن مضارع	صفت فاعلی	صفت لیاقت	صفت مفعولی
گذشت				
آورد				

مانند نمونه، جدول را کامل کنید. (۱۱۳)

فعل	بن مضارع	صفت فاعلی	صفت لیاقت	صفت مفعولی
نوشت	نویس	نویسنده	نوشتنی	نوشته
خواندم				

براساس الگوی زیر یک ترکیب وصفی بسازید. (۱۱۴)

صفت + اسم ←

آرایه‌های ادبی

در ابیات زیر، هر یک از قسمت‌های مشخص شده چه آرایه‌ای دارد؟ (۱۱۵)

الف

از آنها که خورشید فریادشان

دمید از گلوی سحرزادشان

ب

بیا با گل لاله بیعت کنیم

که آلاله‌ها را حمایت کنیم

«استعاره» را در بیت‌های زیر مشخص کنید. (۱۱۶)

الف

جغد بر ویرانه می‌خواند به انکار تو اما

خاک این ویرانه‌ها بویی از آن گنجینه دارد

ب

در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری

این کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد

پ

بین با گل لاله‌هایی که در باغ ماست

خموشند و فریادشان تا خداست

ت

بیا با گل لاله بیعت کنیم

که آلاله‌ها را حمایت کنیم

در کدام بیت جناس همسان «تام» دیده می‌شود؟ (۱۱۷)

الف) می‌گفت گرفته حلقه در بر

کامروز منم چو حلقه بر در

ب) حکم جلودار است بر هامون بتازید

هامون اگر دریا شود از خون، بتازید

در بیت‌های زیر «متناقض‌نما» را مشخص کنید. (۱۱۸)

الف

بین لاله‌هایی که در باغ ماست خموشند و فریادشان تا خداست

ب

به رقصی که بی پا و سر می‌کند چنین نغمهٔ عشق سر می‌کند

پ

بزن زخم، این مرهم عاشق است که بی زخم مردن، غم عاشق است

۱۱۹

در بیت زیر ایهام را مشخص کنید و معانی آنها را بنویسید.

در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری این کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد

۱۲۰

در بیت زیر چه آرایه‌هایی وجود دارد؟

در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد

۱۲۱

در بیت زیر چه آرایه‌هایی وجود دارد؟

بی تو می‌گویند تعطیل است کار عشق‌بازی عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد

۱۲۲

از متن درس «یاران عاشق»، برای هریک از آرایه‌های ادبی زیر، نمونه‌ای مناسب بیابید و بنویسید.

تشبیه:

متناقض‌نما:

۱۲۳

در عبارات زیر آرایه‌های «کنایه، تشبیه و تناسب» را بیابید.

«و شما را اگر توان آن نباشد که کار خود به عشق درآمیزید و پیوسته بار وظیفه‌ای را بی‌رغبت به دوش کشید، زنه‌ار، دست از کار بشوید.»

۱۲۴

در بیت زیر آرایه‌های «واج‌آرایی و کنایه» را بیابید.

«از آنها که خونین سفر کرده‌اند سفر بر مدار خطر کرده‌اند»

۱۲۵

در بیت زیر آرایه‌های «کنایه، تشبیه، واج‌آرایی» را بیابید.

«چه جانانه چرخ جنون می‌زدند دف عشق با دست خون می‌زدند»

۱۲۶

در هریک از بیت‌های زیر آرایه‌های خواسته شده را پیدا کنید.

الف

از آنها که خونین سفر کرده‌اند سفر بر مدار خطر کرده‌اند (مجاز)

ب

از آنها که خورشید فریادشان دمید از گلوی سحر زادشان (مراعات نظیر)

پ

چه جانانه چرخ جنون می‌زدند دف عشق با دست خون می‌زدند (کنایه)

ت

به رقصی که بی پا و سر می‌کند چنین نغمهٔ عشق سر می‌کند (تشبیه)

ث

صبح بی تو رنگ بعد از ظهر یک آدینه دارد بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد (تضاد)

۱۲۷

آرایه‌های تشبیه، متناقض‌نما و جناس ناهمسان (ناقص) را در هر یک از موارد زیر بیابید.

الف

بین لاله‌هایی که در باغ ماست خموش‌اند و فریادشان تا خداست

ب

به رقصی که بی پا و سر می‌کند چنین نغمهٔ عشق سر می‌کند

پ

مگو سوخت جان من از فرط عشق خموشی است هان، اولین شرط عشق

قرباب معنایی

۱۲۸ کدام بیت با بیت «در ره منزل لیلی که خطر هاست در آن / شرط اول قدم آن است که مجنون باشی» ارتباط معنایی دارد؟

الف) بزن زخم، این مرهم عاشق است / که بی زخم مردن غم عاشق است
ب) از آنها که خونین سفر کرده‌اند / سفر بر مدار خطر کرده‌اند

۱۲۹ شعر «یاران عاشق» را از نظر قالب و مضمون، با شعر «زاغ و کبک» مقایسه کنید.

۱۳۰ آیا می‌توان دو بیت زیر را دارای مفهوم مشترک دانست؟ توضیح دهید.

الف) چه از تیر و چه از تیغ، شما روی نتابید / که در جوشن عشقید که از کرب و بلا بید
ب) بزن زخم، این مرهم عاشق است / که بی زخم مردن، غم عاشق است

۱۳۱ مفهوم مشترک دو بیت زیر چیست؟

• ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد
• مگو سوخت جان من از فرط عشق / خموشی است هان، اولین شرط عشق

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۱۳۲ مفهوم کدام بیت «بی‌ادعایی عاشقان حقیقی» است؟

الف) بین لاله‌هایی که در باغ ماست / خموشند و فریادشان تا خداست
ب) به رقصی که بی پا و سر می‌کنند / چنین نغمه عشق سر می‌کنند

۱۳۳ شاعر در بیت «بیا با گل لاله بیعت کنیم / که آلاله‌ها را حمایت کنیم» از مخاطب چه چیزی را خواستار می‌شود؟

۱۳۴ مصراع دوم بیت زیر به چه مفهومی اشاره دارد؟

«چه جانانه چرخ جنون می‌زنند / دف عشق با دست خون می‌زنند»

۱۳۵ مفهوم مصراع دوم بیت زیر را بنویسید.

بزن زخم، این مرهم عاشق است / که بی زخم مردن، غم عاشق است

۱۳۶ در کدام بیت شعر خوانی «صبح بی تو» به تحقق مدینه فاضله اشاره شده است؟

۱۳۷ شعر «صبح بی تو» در چه قالبی سروده شده است؟

۱۳۸ مفهوم بیت زیر را بنویسید.

خواستم از رنجش دوری بگویم یادم آمد / عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد

۱۳۹ مضمون شعر «صبح بی تو» چیست؟

۱۴۰ نخست، مفهوم کلی بیت‌های زیر را بنویسید؛ سپس برای هریک، بیتی متناسب از متن درس «یاران عاشق» بیابید.

الف- ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد «سعدی»

ب- چه از تیر و چه از تیغ، شما روی نتابید / که در جوشن عشقید، که از کرب و بلا بید «حمید سبزواری»

۱۴۱ در بیت آخر شعر «یاران عاشق» بر کدام یک از ارزش‌های انقلاب اسلامی تأکید شده است؟

۱۴۲ در شعر «یاران عاشق» مقصود از یاران عاشق، چه کسانی هستند؟ در بیت سوم این شعر به کدام ویژگی آنها اشاره شده است؟

۱۴۳ در بیت زیر چه واژه‌هایی «نماد» شهید راه وطن هستند؟

«بیا با گل لاله بیعت کنیم / که آلاله‌ها را حمایت کنیم»

۱۴۴ با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«از آنها که خورشید فریادشان / دمید از گلوی سحرزادشان»

الف) فریاد رزمندگان به چه چیزی مانند شده است؟

ب) کدام قسمت بیت به روشنی‌بخشی و نورانیت کلام رزمندگان اسلام اشاره می‌کند؟

۱۴۵ بیت زیر را معنا کنید.

«بیا با گل لاله بیعت کنیم / که آلاله‌ها را حمایت کنیم»

۱۴۶) معنای بیت زیر را بنویسید.

«مگو سوخت جان من از فرط عشق

۱۴۷) بیت زیر را معنا کنید.

«بین لاله‌هایی که در باغ ماست

۱۴۸) معنای بیت زیر را بنویسید.

«بزن زخم این مرهم عاشق است

۱۴۹) بیت زیر را معنا کنید.

«چه جانانه چرخ جنون می‌زدند

۱۵۰) معنای بیت زیر را بنویسید.

«از آنها که خورشید فریادشان

۱۵۱) بیت زیر را معنا کنید.

«به رقصی که بی پا و سر می‌کنند

۱۵۲) بیت زیر را معنا کنید.

«هلا منکر جان و جانان ما

۱۵۳) ابیات زیر را معنا کنید.

الف) بیا عاشقی را رعایت کنیم

ب) از آنها که خونین سفر کرده‌اند

۱۵۴) ابیات زیر را به نثر روان معنی کنید.

الف

جغد، بر ویرانه می‌خواند به انکار تو اما

ب

در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری

۱۵۵) با توجه به ابیات زیر به سوالات پاسخ دهید.

«بیا عاشقی را رعایت کنیم

از آنها که خونین سفر کرده‌اند

مگو سوخت جان من از فرط عشق

بین لاله‌هایی که در باغ ماست

الف) چگونه می‌توان عاشقی را رعایت کرد؟

ب) «یاران عاشق» چه کاری انجام داده‌اند؟

پ) اولین شرط عشق چیست؟

ت) چرا شاعر معتقد است، لاله‌ها خاموش‌اند اما فریادشان تا خداست؟

۱۵۶) معنی و مفهوم هر یک از ابیات زیر را بنویسید.

الف

صبح بی‌تو رنگ بعد از ظهر یک آدینه دارد

ب

ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید

پ

بی‌تو می‌گویند تعطیل است کار عشقبازی

خموشی است هان اولین شرط عشق»

خموشند و فریادشان تا خداست»

که بی‌زخم مردن، غم عاشق است»

دف عشق با دست خون می‌زدند»

دمید از گلی سحرزادشان»

چنین نغمه عشق سر می‌کنند»

بزن زخم انکار بر جان ما،

ز یاران عاشق حکایت کنیم

سفر بر مدار خطر کرده‌اند

خاک این ویرانه‌ها بویی از آن گنجینه دارد

آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد

ز یاران عاشق، حکایت کنیم

سفر بر مدار خطر کرده‌اند

خموشی است هان، اولین شرط عشق

خموش‌اند و فریادشان تا خداست»

بی‌تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد

آن که در دستش کلید شهر پر آینه دارد

عشق اما کی خبر از شب و آدینه دارد

ت

خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد

۱۵۷ در بیت زیر بر کدام یک از ارزش‌های انقلاب اسلامی تأکید شده است؟

«بیا با گل لاله بیعت کنیم که آلاها را حمایت کنیم»

۱۵۸ «انتظار موعود» یکی از مایه‌های ادبیات انقلاب اسلامی است؛ بر این مبنا، متن شعر خوانی «صبح بی تو» را بررسی کنید.

۱۵۹ در خوانش سروده «صبح بی تو» به چه نکاتی باید توجه کنیم؟

۱۶۰ در بیت: «از آنها که خونین سفر کرده‌اند / سفر بر مدار خطر کرده‌اند» منظور از «مدار خطر» کجاست؟

تاریخ ادبیات

۱۶۱ شعر «فصل عاشقی» سروده کدام شاعر ادبیات انقلاب اسلامی است؟

شعر خوانی: صبح بی تو

۱۶۲ در شعر زیر جاهای خالی را با واژه‌های مناسب شعر «صبح بی تو» کامل کنید.

الف- صبح بی تو رنگ بعدازظهر یک دارد / بی تو حتی حالتی از کینه دارد

ب- بی تو می‌گویند است کار عشق‌بازی / عشق اما کی خبر از و دارد

پ- جغد بر می‌خواند به انکار تو اما / خاک این بویی از آن دارد

ت- خواستم از رنجش دوری بگویم آمد / عشق با خویشاوندی دیرینه دارد

ث- در هوای پر می‌کشد با / آن زخمی که او در سینه دارد

ج- ناگهان بزرگ تیرگی را می‌گشاید / آنکه در دستش کلید دارد

۱۶۳ کدام یک از موارد زیر، تکمیل‌کننده مصراع «خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد» است؟

۱- عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد ۲- عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد

۱۶۴ شعر زیر را کامل کنید.

الف) بی تو می‌گویند تعطیل است کار عشق‌بازی

ب) جغد بر ویرانه می‌خواند به انکار تو، اما

پ) آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد

ت) آنکه در دستش کلید شهر پرآینه دارد

۱۶۵ بیت‌های زیر را کامل کنید.

الف. بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد

ب. خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد

۱۶۶ ابیات زیر را کامل کنید.

الف

ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید

۱۶۷ بیتی از شعر «صبح بی تو» سروده «قیصر امین‌پور» بنویسید که در آن «قفل» و «کلید» هر دو به کار رفته باشد.

۱۶۸ مصراع به‌هم‌ریخته زیر را مرتب کنید. سپس بیت را به‌صورت کامل بنویسید.

«جغد - انکار - اما - تو - به - بر - ویرانه - می‌خواند»

۱۶۹ با توجه به شعر «صبح بی تو» بیت‌های ناقص را کامل کنید.

صبح بی تو رنگ بعد از ظهر یک آدینه دارد

عشق اما کی خبر از شنبه و آینه دارد

عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد

در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری

پاسخنامه تشریحی

- ۱ بار عام: «بار»: اجازه و رخصت، بار عام: پذیرایی عمومی، شرفیابی همگانی، متضاد بار خاص (پذیرایی خصوصی)
- ۲ کل کشیدن: بانگ شادی برآوردن (کل: هلهله شادی)
- ۳ الف) نیلی: به رنگ نیل، کبود
- ب) مشک: انبان، خیک، پوست گوسفندی که آن را درست و یکجا کنده باشند و در آن ماست و آب اندازند.
- ۴ الف) داغ: اندوه، مصیبت / ماتم: عزا، سوگ
- ب) رشحه: چکیده، قطره، تراوش کرده / یم: دریا
- ۵ الف) کوچ، کوچیدن
- ۶ الف) واجب گردانیدن، تعیین گردیدن.
- ۷ الف) فرض: واجب گردانیدن، یقین کردن
- ۸ الف) (اسب) تندرو، فراخ گام، خوش راه.
- ۹ الف) واجب گردانیدن، تعیین کردن
- ۱۰ الف) تندرو، فراخ گام، خوش راه
- ۱۱ الف) کوچ، کوچیدن
- ۱۲ الف) واجب گردانیدن، تعیین کردن
- ۱۳ الف) خار: سنگ خارا، سنگ
- ب) کوچ کردن، سفر کردن
- پ) زنگ
- ت) خوش حرکت و تندرو
- ث) دشت
- ج) تاخت و تاز
- ۱۴ الف) رُفت: رفتن، زدودن
- ب) کلاف: نخ و ریسمان و جز آنکه گرد کرده باشند، ریسمان پیچیده گرد دوک
- پ) محوطه: پهنه، میدانگاه، صحن
- ت) سترگ: بزرگ، عظیم؛ تابناک: درخشان، نورانی
- ۱۵ الف) برگ: توشه و هر چیز مورد نیاز؛ مایحتاج و آذوقه
- ب) رکاب: حلقه‌ای فلزی که در دو طرف زین اسب آویخته می‌شود و سوار پا در آن می‌گذارد.

پ هَمّت: اراده، سعی و تلاش، عزم زیاد

ت باره: اسب

ث وادی: سرزمین

ج اهریمن: شیطان، ابلیس

چ کلیم: همسخن / ولی: دارنده بالاترین مقام در دین پس از پیغمبر (ص)، دوست

ح هامون: دشت، زمین هموار

خ جولان: تاخت و تاز

د عَلم: پرچم

ذ

همپا: همراه، همقدم، هر یک از دو یا چند نفری که با هم کاری انجام می‌دهند. همپایی: همگامی، همراهی

۱۶

الف چاووش

ب راهوار (رهوار)

پ رکاب

ت کلاف

ث همپا

ج مَشک

۱۷ تاخت و تاز، حمله

۱۸ زنگ: جرس کوچ: رحیل واجب گردانیدن: فرض

۱۹ هلول ← حلول / رشه ← رشحه / برخواستن ← برخاست / غِطیان ← قِطیان

۲۰ واژه‌های املائی و شکل درست آنها:

۱- رشه ← رشحه ۲- اقناء ← اقناع (راضی ساختن)

۲۱ سترگی: بزرگ بودن، عظیم بودن

۲۲

الف قبطیان

ب سامری

پ رحیل

ت طور

۲۳ چهار واژه نادرست دیده می‌شود. «پرچم و آلم»، «تور سینین»، «بانگ جرس» و «هلول صبح» نادرست و شکل صحیح آنها «پرچم و عَلم»، «طور سینین»، «بانگ

جرس» و «حلول صبح» است.

۲۴ نیلی پوش: مسند خروش: متمم دوش: متمم

۲۵ بیت اول سه جمله است.

۱- ای (حضرت ابوالفضل (ع))

۲- کعبه از داغ غم تو نیلی پوش (است)

فعل محذوف

۳- فرات از تشنگی تو در جوش و خروش (است)

فعل محذوف

۲۶ مرجع ضمیر «تو» حضرت عباس (ع) است.

۲۷

الف این خانه (را)، تخت و نگین (را)

ب ترکیب وصفی: این خانه / ترکیب اضافی: دست اهریمن

پ جمله اول: فرمان (نهاد) رسید / جمله آخر: تخت و نگین از دست اهریمن بگیرید. نهاد: (شما) محذوف به قرینه لفظی

۲۸

الف «برگ»: مفعول

ب «تنگ»: مسند

پ «یاوران»: منادا

ت «دریا»: نهاد

۲۹

الف نیلی پوش

ب فرض

۳۰

الف چهار جمله: از هر کران بانگ رحیل آید به گوشم (۱) / بانگ از جرس برخاست (۲) / وای من (۳) / خموشم (۴)

ب شش جمله: گاه سفر آمد (۱) / برادر (۲) / ره دراز است (۳) / پروا مکن (۴) / بشتاب (۵) / همت چاره ساز است (۶)

پ سه جمله: یعنی کلیم آهنگ جان سامری کرد (۱) / ای یاوران (۲) / باید ولی را یآوری کرد (۳)

ت چهار جمله: جانان من (۱) / برخیز (۲) / بر جولان برانیم (۳) / زان جا به جولان تا خط لبنان برانیم (۴)

ث چهار جمله: جانان من (۱) / برخیز (۲) / و بشنو بانگ چاووش (۳) / آنک امام ما علم بگرفته بر دوش (۴)

۳۱

الف بانگ ← نهاد / خموش ← مسند

ب سفر ← مضاف الیه / برادر ← منادا

پ پر ← مسند / قبطیان ← معطوف به متمم

ت خانه ← مفعول / نگین ← معطوف به مفعول

ث فرض ← مسند / تیغ ← نهاد

ج جانان ← منادا / لبنان ← مضاف الیه

ج کعبه ← نهاد / نیلی پوش ← مسند / در جوش و خروش ← مسند

۳۲

الف شیوه عادی

ب شیوه عادی

پ مصراع اول ← شیوه عادی / مصراع دوم ← شیوه بلاغی

ت شیوه عادی

ث شیوه بلاغی

۳۳

الف گروه ها: کعبه - داغ ماتمت - نیلی پوش

هسته ها: کعبه - داغ - نیلی پوش

وابسته ها: ماتم ← مضاف الیه / «ت» ← مضاف الیه

ب گروه ها: دریا - مشک - دوش

هسته ها: دریا - مشک - دوش

وابسته ها: —

پ گروه ها: تشنگی ات - فرات - جوش و خروش

هسته ها: تشنگی - فرات - جوش و خروش

وابسته ها: «ت» ← مضاف الیه

ت گروه‌ها: تو - فرات - رشحه‌ای - یم تو
هسته‌ها: تو - فرات - رشحه‌ای - یم
وابسته‌ها: تو ← مضاف‌الیه

۳۴

الف خفته ← صفت بیانی مفعولی / بنهفته ← صفت بیانی مفعولی

ب بارانی ← صفت بیانی نسبی

پ گریزا ← صفت بیانی فاعلی

ت شیرین ← صفت بیانی مطلق / زرین ← صفت بیانی نسبی / خوش لقا ← صفت بیانی مطلق

۳۵ **برادر:** منادا، ره: نهاد، چاره‌ساز: مسند

۳۶ **الف.** ۵ جمله: فرض است / گر تیغ بیارد / گو / بیارد / نیست دشوار

ب. ۵ جمله: تکبیر زن / لَبیک گو / بنشین به رهوار / مقصد دیار قدس (است) / هم‌پای جلودار (حرکت کن / رهسپار شو)

۳۷

الف پا در رکاب داشتن: آماده حرکت شدن

ب علم به دوش گرفتن: آماده شدن برای نبرد

۳۸

الف شوق و شور ← مشبه / رنگین کمان ← مشبه به / ابرهای تیره ← مشبه / کلاف ← مشبه به

ب آزادی ← مشبه / صبح روشن ← مشبه به

پ فرات ← مشبه / رشحه ← مشبه به / تو ← مشبه / یم ← مشبه به

۳۹

الف برگ سفر بستن کنایه از آماده شدن برای سفر / دل بستن کنایه از تصمیم گرفتن و قصد کردن

ب برخاستن بانگ رحیل و جرس کنایه از آغاز حرکت و آمادگی برای سفر

پ گشته شدن توسط اندوه کنایه از شدت غم و اندوه / شکستن پشت کنایه از سنگینی غم و اندوه

ت به مژگان رفتن کنایه از نهایت عشق و علاقه و احترام برای انجام کاری / به سینه رفتن کنایه از اشتیاق و علاقه زیاد

۴۰

الف فرعونیان استعاره از اسرائیلیان / قبطیان استعاره از مزدوران اسرائیل / موسی استعاره از امام خمینی (قُدّس سرّه) / نیل استعاره از مشکلات و موانع

ب خانه استعاره از فلسطین

پ خانه استعاره از فلسطین / اهریمن استعاره از اسرائیل

۴۱

الف «لبنان» مجاز از مردم لبنان

ب داغ‌دیده شدن

پ حمله نظامیان اسرائیلی به دیر یاسین و قتل عام مردم آن روستا

۴۲

الف تلمیح به داستان حضرت سلیمان و دیو که انگشتر حضرت را ربود و به جای او بر تخت نشست.

ب ۴ مجاز وجود دارد. (تخت: مجاز از پادشاهی / نگین: مجاز از انگشتر / دست: مجاز از قدرت و اختیار / اهریمن: مجاز و استعاره از دشمن اسرائیلی)

۴۳ **الف:** آماده سفر شدن

ب: راهنما و پیشوای حرکتی شدن

۴۴ **شاعر** در بیت سؤال دو بار از آرایه حسن تعلیل استفاده نموده است:

۱- نیلی پوشیدن کعبه و لباس عزا بر تن کردن آن، به علت عزاداری و سوگواری برای حضرت عباس (ع) است.

۲- علت جوش و خروش نهر فرات به خاطر یاد آوردن تشنگی‌های حضرت عباس (ع) در واقعه کربلا است.

۴۵

الف باره و خارِه / خار و خارِه جناس ناهمسان (ناقص)

ب جولان و جولان ← جناس همسان (تام)

(تاخت و تاز) (منطقه‌ای در سوریه)

پ رُفت و رَفت ← جناس ناهمسان (ناقص)

۴۶

الف تنگ، تنگ: جناس ناهمسان

ب کُشت، پُشت: جناس ناهمسان

۴۷

الف شاعر علّت سیاه‌پوشی کعبه را داغ ماتم حضرت عباس (ع) و علّت جوش و خروش سیاه‌پوشی کعبه را داغ ماتم حضرت عباس (ع) و علّت جوش و خروش رود فرات را تشنگی ایشان می‌داند که دلیلی غیرواقعی و شاعرانه است.

ب حسن تعلیل ندارد.

پ در این بیت، شاعر برای شکل ظاهری و آویزان بودن شاخه‌ها و برگ‌های درخت بید، علّتی شاعرانه اما غیرواقعی آورده است و آن سرافکندگی بید، به سبب بی‌ثمر و بی‌حاصل بودن است.

۴۸ در گزینه «۱»، حُسن تعلیل دیده می‌شود. شاعر می‌گوید: «علّت نیلی‌پوش شدن کعبه و جوش و خروش فرات، تو هستی».

۴۹ جانان من برخیز بر جولان برانیم زان جا به جولان ، تا خط لبنان برانیم: جناس همسان (تام)

تاخت و تاز

نام منطقه‌ای در سوریه

جانان من اندوه لبنان کشت ما را بشکست داغ دیر یاسین پُشت ما را: جناس ناهمسان (ناقص)

۵۰ در مصرع دوم: تیغ ببارد نشان از شدت مشکلات و موانع بر سر راه رسیدن به آزادی.

۵۱ الف (۳) مجاز یا «به پاس هر وجب خاکی از این ملک / چه بسیار است آن سرها که رفته»، (خاک: مجاز - سر: مجاز)

ب (۱) متناقض‌نما یا «ای حقیقی‌ترین مجاز من، ای عشق / ای همه استعاره‌ها با تو»

ج (۲) تلمیح یا «جانان من اندوه لبنان کشت ما را / بشکست داغ دیر یاسین پُشت ما را»

۵۲ تناقض: سایه خورشید (خورشید سایه ندارد، وجود خورشید سایه را نقض می‌کند).

تناسب: خورشید، صبح، روشن

تشبیه: بار عام رحمت الهی: اضافه تشبیهی / صبح آزادی: اضافه تشبیهی

۵۳ نغمه حروف (واج‌آرایی): تکرار صامت / ش /

تشخیص: ۱- داغدار بودن کعبه و لباس کبود پوشیدن آن ۲- فریاد کشیدن فرات

۵۴

الف «باریدن تیغ»: استعاره

ب «لبنان»: مجاز از مردم لبنان

پ «گل محمدی»: استعاره از اسلام

۵۵ الف. تلمیح دارد به داستان حضرت سلیمان (ع) و ربوده شدن انگشتری‌اش توسط اهریمن.

ب. تلمیح دارد به داستان حضرت موسی (ع) و قصه گوساله سامری

۵۶ وجود مشکلات و موانع

۵۷ گزینه «ج» یا «سوگواری عمیق برای تشنگی خودخواسته»

۵۸ قالب این شعر مثنوی است، زیرا هر بیت قافیه‌ای جداگانه دارد. در بردارنده مفاهیم مذهبی و سرزمین قدس است، می‌توان این شعر را حماسه‌ای مذهبی خواند که با وزن آن همخوانی دارد.

۵۹

الف ای عزیز من برخیز به سوی کوه‌های جولان پیش برویم (۰.۲۵) و از آن جا با شتاب تا سرزمین لبنان پیش برویم. (۰.۲۵)

۶۰

الف امام ما آماده حرکت (مبارزه یا رهبری) است (امام ما فرماندهی رابه عهده گرفته است).

۶۱ جولان اول: نام منطقه‌ای اشغال‌شده توسط صهیونیست‌ها- جولان دوم: تاخت و تاز

۶۲ الف) منظور از گل محمدی، اسلام ناب محمدی است.

ب) اضافه استعاری: بام جهان (جهان به کاخی تشبیه شده که بام دارد).

۶۳ ای ابوالفضل (ع) خانه کعبه در عزای تو سیاهپوش است و به خاطر لب تشنه تو، رود فرات بی قرار و ناآرام است.

۶۴ ای حضرت عباس (ع) جز تو که نهر فرات قطره‌ای ناچیز از دریای شکوه و عظمت تو است، هیچ دریایی را تا به حال ندیده بودم که مشک بر دوش بکشد.

۶۵ مضمون کلی رباعی سؤال به فداکاری حضرت ابوالفضل (ع) می‌پردازد.

۶۶

الف) سوار بر اسب تندرو خود هستند. (۵. ۵)

۶۷

الف) وقت سفر شده است، آماده حرکت باید باشیم و تا وادی آیم باید برویم.

وادی آیم: صحرائی که در آن به حضرت موسی وحی رسید مکان مقدس [اینجا سرزمین قدس]

ب) فرمان رهبر است که بر دشت بتازید حتی اگر دشت دریایی از خون بشود.

پ) ای هم‌رزم برخیز و آماده رفتن باش حتی اگر شمشیر بیارد تو جانت را همانند سپر کن.

[اشاره به فرهنگ شهادت]

ت) ای هم‌رزم برخیز و آواز چاووش را بشنو اکنون رهبر علم بر دوش گرفته و آماده نبرد است.

[چاووش: آن که پیشاپیش زائران حرکت می‌کند و اشعار مذهبی می‌خواند]

۶۸

الف) فرعونیان و قبطیان: صهیونیست‌ها و دشمنان سرزمین قدس

موسی: رهبری / نیل: سختی‌های راه رسیدن به آزادی

ب) کلیم: رهبری [لقب حضرت موسی بوده است] - در این شعر، استعاره از امام خمینی است.

سامری: صهیونیست‌ها

پ) داغ دیر یاسین: کشتار روستای دیر یاسین در سال ۱۹۴۸ میلادی

ت) دریادلان: از جان گذشتگان در راه آزادی

۶۹

الف) تا زمانی که مانند این شکوفه موهایمان سفیدرنگ شود (پیر شویم)، دوستی را حفظ کنیم.

۷۰

الف) در هفت سیاره آسمان شادی برقرار بود.

ب) خورشید برای آغاز جمهوری اسلامی شادی می‌کرد.

پ) ما با توجه و عنایت امام خمینی (رحمة الله علیه) به بارگاه لطف و رحمت خداوندی وارد شدیم.

۷۱

الف) قصد

ب) فلسطین

پ) فضای گرم انقلاب

۷۲

الف) ای هم‌وطن عزیز من غم و اندوه مردم لبنان ما را نیز بسیار اندوهگین کرده است و کشته شدن مردم دیر یاسین ما را به شدت ماتم‌زده و ناراحت کرده

است. (مفهوم: بیان سختی و غم و اندوه مرگ مردم لبنان و دیر یاسین / هم‌دردی با مظلومان)

ب) هم‌اکنون زمان آماده شدن برای سفر و قصد کردن برای عبور از موانع سخت و دشوار است. (مفهوم: دعوت به آمادگی برای سفر دشوار)

پ) از هر طرف صدای حرکت و سفر به گوش می‌رسد و صدای زنگ شروع حرکت بلند شده است اما وای و افسوس بر من که هنوز ساکت و بی حرکت مانده‌ام

(زنگ کاروان هم برای حرکت احساس مسئولیت کرد ولی من بی تفاوت نشسته‌ام). (مفهوم: توصیف حرکت عمومی برای سفر / نکوهش بی تفاوتی)

ت) مبارزان شجاع و دلیر قصد سفر دارند و آماده حرکت هستند. (مفهوم: آمادگی سفر بودن دلاوران / ستایش آمادگان برای حرکت)

ث) سرزمین فلسطین پر از اسرائیلیان و عوامل اسرائیل است. امام خمینی (قُدس سرّه) رهبر لشکر است و مشکلات و موانع بسیار زیادی بر سر راه عبور ما

وجود دارد. (مفهوم: زیاد بودن دشمنان غاصب / رهبری امام خمینی (قُدس سرّه) سختی راه سفر)

ج) دستور و فرمان رسیده است که فلسطین را از دست اسرائیل پس بگیریم و این تخت و نگین (حکومت فلسطین) را از دست اسرائیل آزاد کنیم. (مفهوم:

دستور آزاد کردن فلسطین از دست دشمن)

ج یعنی امام خمینی (قُدّس سرّه) قصد نابودی اسرائیل را کرده است. پس ای هم‌وطنان! باید رهبر خود را یاری رسانیم. (مفهوم: دعوت به همراهی رهبر در مبارزه با دشمن)

۷۳

الف برگ سفر ← توشه راه

ب وادی ایمن ← فلسطین

پ این خانه ← فلسطین / دشمن ← اسرائیلیان / تخت و نگین ← حکومت فلسطین / اهریمن ← اسرائیلیان

ت کلیم ← امام خمینی (قُدّس سرّه) / ولی ← رهبر، امام خمینی (قُدّس سرّه)

۷۴

الف رهبر انقلاب قصد از میان برداشتن اشغالگران اسرائیلی را دارد. ای یاران انقلاب، لازم است از ولی و رهبرمان حمایت کنیم.

۷۵

الف دشمن، اسرائیلیان

۷۶

الف پیروی از دستور پیشوا و فرمانده واجب است.

۷۷

الف و از آنها که به شهادت رسیدند و خطر پذیرفتند.

ب یعنی امام خمینی (ره) (مانند حضرت موسی) قصد نابودی دشمن (اسرائیلی‌ها) را کرد.

۷۸ نشاط و شادمانی از تولّد جمهوری اسلامی

۷۹ اسرائیل

۸۰ تخت و نگین: فرمانروایی

۸۱ آماده حرکت هستند.

۸۲ بله؛ زیرا با بیانی قهرمانی و حماسی، مخاطب را به نبرد با دشمنان اسلام و اطاعت از رهبران انقلاب فرا می‌خواند.

۸۳ معنی: زمان سفر فرا رسیده است. باید حرکت کنیم و تا سرزمین مقدس ایمن به پیش برویم.

مفهوم: تشویق به فتح مناطق اشغالی

۸۴ فرعونیان و قبطیان: اسرائیلیان، موسی (ع): امام خمینی (ره)

۸۵ داغ ماتمت: شرح شهادت حضرت ابوالفضل در صحرای کربلا

دریا: حضرت ابوالفضل (ع)

۸۶ رباعی سؤال سروده محمد علی مجاهدی (پروانه) است.

۸۷ الف: محمد علی مجاهدی، با نام شعری «پروانه» شهرت یافته است.

۸۸ منکر: انکارکننده، ناباور (این واژه را نباید با «منکر» اشتباه گرفت؛ «منکر» به معنای زشت است.)

مدار: مسیری معمولاً دایره‌ای شکل که در آن چیزی به دور چیز دیگر می‌چرخد؛ مسیر

۸۹ الف) مرهم: هر دارویی که روی زخم بگذارند.

ب) فرط: شدت، بسیاری / هان: صورت تنبیه، آگاه باش، مواظب باش، زینهار

۹۰

الف هلا: شبه‌جمله‌ای است برای ندا و آگاه کردن، ای، آلا؛ مُنکر: انکارکننده، ناباور؛ انکار: باور نکردن، نپذیرفتن، نفی کردن

ب بیعت: پیمان، عهد؛ آلاله: لاله سرخ، شقایق

پ کینه: بغض، دشمنی

۹۱

الف مدار: مسیر

ب آدینه: روز جمعه، آخرین روز هفته

پ هلا: صوت ندا برای آگاه کردن / منکر: انکارکننده، ناباور

ت بیعت: پیمان، عهد

ث دیرینه: قدیمی، طولانی

ج جنون: شیفتگی، شیدایی

چ چنبر: حلقه و هر چیز حلقه‌مانند

ح روحانی: ملکوتی، معنوی

۹۲

الف سیمینه

ب رستن

پ مرهم

۹۳ آگاه باش

۹۴ گزینهٔ «د» یا «چه جانانه چرخ جنون می‌زنند / دف عشق با دست خون می‌زنند»

بررسی نادرستی گزینه‌ها:

الف: سحرزاده‌شان ← سحرزادشان ب: مرجم ← مرهم ج: حلا ← هلا (آگاه باش)

۹۵

الف جغد

ب نغمه

۹۶

الف مرهم

۹۷ یک غلط املایی در کلمات دیده می‌شود، «فرت» نادرست و شکل صحیح آن «فرط» است.

۹۸ صفت نسبی

۹۹ هوا: هسته / عاشقان: مضاف‌الیه / آن: صفت اشاره / کبوتر: هسته / چاهی: صفت نسبی / زخمی: صفت بیانی

۱۰۰

فعل	بن مضارع	صفت فاعلی	صفت مفعولی	صفت لیاقت
دارد می‌لغزد	لغز	-	لغزیده	لغزیدنی
بچکد	چک	-	چکیده	چکیدنی
بگسلد	گسل	-	گسسته	گسستنی
می‌انبارد	انبار	-	انباشته	انباشتنی

۱۰۱ صفت نسبی: تاریخی - قومی - کلی

صفت فاعلی: آینده

صفت لیاقت: آموختنی

۱۰۲ صفت مفعولی: بسته - اندوخته

صفت نسبی: فکری - اجتماعی - سیاسی (سیاست + ی) - اقتصادی

۱۰۳ خونین

۱۰۴ بی تو: وابستهٔ پسین (مضاف‌الیه)

بعدازظهر: وابستهٔ پسین (مضاف‌الیه)

یک: وابستهٔ وابسته (صفت مضاف‌الیه) - البته وابسته‌های وابسته را دانش‌آموزان در سال دوازدهم می‌خوانند.

آدینه: وابستهٔ پسین (مضاف‌الیه)

۱۰۵ به ترتیب: قید - مفعول - نهاد - متمم

۱۰۶

فعل	بن مضارع	صفت مفعولی	صفت لیاقت	صفت فاعلی
می شنود	شنو	شنیده	شنیدنی	شنوا - شنونده
دارم می طلبم	طلب	طلبیده	طلبیدنی	طلبنده
می فروشم	فروش	فروخته	فروختنی	فروشنده
پندارم	پندار	پنداشته	پنداشتنی	پندارنده (کم کاربرد است)
مانده بودم	مان	مانده	ماندنی	ماندگار

۱۰۷

فعل	بن مضارع	صفت لیاقت	صفت مفعولی	صفت فاعلی
شناخت	شناس	شناختنی	شناخته	شناسنده
دارد می آید	آ	آمدنی	آمده	آینده
داشت می گفت	گو	گفتنی	گفته	گویا - گوینده
خواهی رفت	رو	رفتنی	رفته	روا - رونده - روان

۱۰۸

- الف مطلق
- ب فاعلی
- پ مفعولی
- ت نسبی
- ث نسبی
- ج لیاقت

۱۰۹

- الف زرد: صفت بیانی مطلق
- ب شنیده، دیده: صفت بیانی مفعولی
- پ گویا: صفت بیانی فاعلی
- ت آسمانی: صفت بیانی نسبی / ذاتی: صفت بیانی نسبی
- ث خندان: صفت بیانی فاعلی
- ج تابناک: صفت بیانی مطلق
- چ شیرازی، هندو: صفت بیانی نسبی
- ح دیدنی: صفت لیاقت

۱۱۰

- الف جانان: معطوف
- ب خود: بدل / چوگان، تیر: معطوف

۱۱۱

- الف متناقض نما: صبح رنگ بعد از ظهر دارد، مهربانی حالت کینه دارد. / رنگ بعد از ظهر: حس آمیزی / رنگ بعد از ظهر داشتن صبح کنایه از غم و ناراحتی / حالت کینه داشتن مهربانی کنایه از غم آلود بودن فضا / تضاد: مهربانی و کینه
- ب سوختن جان کنایه از شدت رنج / فرط، شرط: جناس ناهمسان (ناقص)

۱۱۲

فعل	بن مضارع	صفت فاعلی	صفت لیاقت	صفت مفعولی
گذشت	گذر	گذرنده، گذرا، گذران	گذشتنی	گذشته
آورد	آور	آورنده	آوردنی	آورده

۱۱۳

فعل	بن مضارع	صفت فاعلی	صفت لیاقت	صفت مفعولی
نوشت	نویس	نویسنده	نوشتنی	نوشته
خواندم	خوان	خواننده	خواندنی	خوانده

۱۱۴ با استفاده از صفت‌ها (وابسته پیشین) می‌توان ترکیب مورد نظر را ساخت.

این کتاب/کدام روز، چه هوایی ...

۱۱۵

الف «خورشید فریاد»: تشبیه («فریاد»: مشبّه؛ «خورشید»: مشبّه‌به)

ب «گل لاله»: استعاره از شهید

۱۱۶

الف جغد استعاره از منکران حضرت امام زمان (عج) / ویرانه استعاره از جهان یا دل عاشقان / گنجینه استعاره از عشق حضرت امام زمان (عج)

ب کبوتر استعاره از قلب حضرت امام زمان (عج)

پ لاله استعاره از شهید / باغ استعاره از کشور

ت لاله و آلاله استعاره از شهیدان

۱۱۷ گزینه «الف»: در بر (در آغوش)، بر در (بر روی در)

۱۱۸

الف خاموشی با وجود فریاد داشتن: متناقض‌نما

ب بی پا و سر رقصیدن: متناقض‌نما

پ مرهم بودن زخم: متناقض‌نما

۱۱۹ هوا (۱. آسمان ۲. میل و عشق): ایهام

۱۲۰ مراعات‌نظیر: هوا، پر می‌کشد، کبوتر چاهی

مجاز: سینه مجاز از دل است.

ایهام: واژه «هوا» دو معنی دارد: ۱ - فضا ۲ - میل

۱۲۱ مراعات‌نظیر: تعطیل، آدینه / شنبه، آدینه / کار، تعطیل

تشخیص: خبر داشتن عشق

تضاد: کار - تعطیل

۱۲۲ تشبیه: خورشید فریاد - دف عشق - زخم انکار - زخم، مرهم عاشق است.

متناقض‌نما: خموشند و فریادشان تا خداست. - زخم، مرهم است.

۱۲۳ کنایه: «دست شستن» کنایه از رها نمودن و ترک کردن

تشبیه: بار وظیفه: اضافه تشبیهی، وظیفه به بار مانند شده است.

تناسب: بار و دوش

۱۲۴ واج آرایی: تکرار صامت «ر»

کنایه: سفر خونین کردن کنایه از شهید شدن است.

۱۲۵ کنایه: با دست پر از خون دف عشق را نواختن کنایه از جان‌فشانی و شهید شدن است.

تشبیه: دف عشق ← اضافه تشبیهی: عشق به دف مانند شده است.

واج آرایی: تکرار صامت /ن/

۱۲۶

الف مدار: مجاز از سرزمین

ب خورشید، سحر، دمید / فریاد، گلو: مراعات‌نظیر

پ مصرع دوم کنایه از جان‌فشانی همراه با شادی

ت نغمه عشق ← عشق به نغمه

ث مهربانی - کینه ← تضاد

۱۲۷

الف متناقض‌نما: «خاموش بودن و رسیدن فریاد تا خدا»

ب تشبیه: «نغمهٔ عشق»

پ جناس ناهمسان (ناقص): «فرط» و «شرط»

۱۲۸ (ب) مفهوم مشترک بیت سؤال و بیت «ب»، خونین و پرخطر بودن راه عشق است.

مفهوم بیت الف) عاشق، درد عشق را مثل درمان می‌داند.

۱۲۹ هر دو شعر در قالب مثنوی سروده شده‌اند، اما مضمون این دو شعر متفاوت است. مضمون «زاغ و کبک» دوری از تقلید کورکورانه است؛ اما شعر «یاران

عاشق»، جزو ادبیات انقلاب اسلامی بوده و لحنی غمگین دارد.

۱۳۰ بله زیرا هر دو بیت به این مفهوم اشاره دارند که عاشق از چیزی نمی‌ترسد و جان خود را فدا می‌کند.

۱۳۱ عاشق واقعی، خاموش و ساکت است.

۱۳۲ الف) معنای بیت: به شهدایی که در گلزار شهدای ما هستند نگاه کن؛ آنها ساکت و بی‌ادعا هستند اما به راستی فریادشان تا عرش الهی رفته است.

۱۳۳ شاعر در این بیت از مخاطب می‌خواهد با شهدا و آرمان‌هایشان پیمان دوباره ببندد و از آنها حمایت کند.

۱۳۴ با اشتیاق به استقبال شهادت رفتن

۱۳۵ بی زخم مردن کنایه از مرگ طبیعی. (ترجیح شهادت بر مرگ در بستر)

۱۳۶

ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید آنکه در دستش کلید شهر پرآینه دارد

۱۳۷ غزل

۱۳۸ تحمل رنج و بی‌قراری سال‌های انتظار برای ظهور امام زمان

۱۳۹ انتظار موعود

۱۴۰ الف- فدا شدن در راه معشوق بدون هیچ شکایت و اعتراضی - با بیت هشتم تناسب دارد.

ب- نترسیدن از آسیب و مرگ در راه معشوق - با بیت هفتم تناسب دارد.

۱۴۱ وفاداری به آرمان‌های شهیدان

۱۴۲ شهیدان - آزادی‌خواهی و ظلم‌ستیزی

۱۴۳ واژه‌های «لاله» و «آلاله» نماد شهید هستند.

۱۴۴ الف: فریاد رزمندگان به خورشید تشبیه شده است.

ب: مصراع دوم: منظور از واژهٔ «گلوی سحرزاد» سخنان روشنی‌بخش و نورانی است که سبب آگاهی و بیداری می‌شود.

۱۴۵ بیاید با عاشقان واقعی و شهدا پیمان ببندیم و از آنها جانبداری کنیم.

۱۴۶ نگو که جان من از شدت عشق سوخته است؛ بدان که اولین قدم در عشق، سکوت است.

۱۴۷ به شهدایی که در گلزار شهدا هستند بنگر. آنها خاموشند اما صدایشان تا عرش الهی می‌رسد.

۱۴۸ به ما زخم بزنید که آن موجب آسایش و راحتی ماست. اگر انسان‌های آزاده بدون آسیب بمیرند غم بزرگی برایشان محسوب می‌شود.

۱۴۹ شهدا چه عاشقانه به دنبال شوری‌دگی بودند؛ آنها با تمام وجود برای جانفشانی تلاش می‌کردند.

۱۵۰ از آنهایی صحبت کنیم که فریاد نورانی آنها از گلوی روشنی‌بخشان بلند شد.

۱۵۱ شهدا در عین جانبازی می‌رقصند و نوای عشق را سر می‌دهند.

۱۵۲ ای کسانی که عشق ما و معشوق ما را انکار می‌کنید، با باور نکردن ما زخم به جان ما بزنید.

۱۵۳ الف) بیا راه و رسم عاشقی را ادا کنیم و از آزادگان و شهدا صحبت کنیم.

ب) از آنهایی صحبت کنیم که شهید شده‌اند و به دنبال خطر و جان‌فشانی می‌گشتند.

۱۵۴

الف کسی که وجود تو را باور ندارد مانند جفدی بر جهان بی‌تو ویران شده، فریاد انکار تو را سر می‌دهد، اما در خاک همین ویرانه‌ها، نشانه‌ای از گنج وجود تو

دیده می‌شود.

ب رنجی که در سینهٔ امام زمان (ع) است مانند کبوتری چاهی با بی‌قراری در حال و هوای عاشقان در پرواز است.

۱۵۵

الف با بیان داستان عاشقان (شهیدان) و زنده نگه داشتن یاد آنها

ب سفری خونین کرده‌اند (از جان خود گذشتند) و به استقبال خطر رفته‌اند.

پ خاموشی و سکوت، دم برنیاوردن

ت زیرا لاله‌ها یا همان شهیدان، با مرگشان و عملشان به خدا رسیده‌اند، نه با حرف و کلامشان.

۱۵۶

الف فراگیری غم و اندوه در جدایی

ب نابودی ظلم - نوید جامعهٔ آرمانی - قطعی بودن ظهور منجی عالم

پ ازلی بودن عشق - محدود نبودن عشق به زمان

ت سختی راه عشق - تسلیم و بلاکشی عاشق

۱۵۷ زنده نگه داشتن یاد شهیدان

۱۵۸ در این سروده، دو گروه به تصویر کشیده می‌شوند: منتظران موعود و منکران موعود. گروه منتظران دوران غیبت را با رنج و در فراق سپری می‌کنند و امید

به فرا رسیدن صبح پیروزی دارند؛ اما منکران پیوسته گروه نخست را ملامت می‌کنند و سعی در انکار ظهور منجی دارند.

۱۵۹ این شعر از نوع غنایی است؛ پس خوانش آن باید عاطفی و دارای لحن نرم و لطیف باشد.

۱۶۰ سرزمین عشق

۱۶۱ سید حسن حسینی

۱۶۲ (الف) آدینه - مهربانی

(ب) تعطیل - شنبه - آدینه

(پ) ویرانه - ویرانه‌ها - گنجینه

(ت) یادم - آزار

(ث) عاشقان - بی‌قراری - کبوتر چاهی

(ج) قفل - شهر پر آینه

۱۶۳ ۲ یا عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد

۱۶۴ (الف) عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد

(ب) خاک این ویرانه‌ها بویی از آن گنجینه دارد

(پ) در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری

(ت) ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید

۱۶۵ الف. صبح بی تو رنگ بعد از ظهر یک آدینه دارد

ب. عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد.

۱۶۶

الف آنکه در دستش کلید شهر پر آینه دارد

۱۶۷

ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید

آن که در دستش کلید شهر پر آینه دارد

۱۶۸

جغد بر ویرانه می‌خواند به انکار تو اما

خاک این ویرانه‌ها بویی از آن گنجینه دارد

۱۶۹

صبح بی تو رنگ بعد از ظهر یک آدینه دارد

بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد

بی تو می‌گویند تعطیل است کار عشقبازی

عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد

خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد

عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد

در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری

آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد